

فهرست

یادداشت مترجم	نه
یادداشت مؤلف برای ترجمه فارسی	پانزده
بخشی از یادداشت مؤلف برای ترجمه انگلیسی	شانزده
پیشگفتار مؤلف برای چاپ نخست در فرانسه	هفده
نظام آوایی و خط	۱
نظام آوایی	۳
آواهای زبان فارسی	۳
آرایش واجها در واژه	۲۸
تکیه و آهنگ صدا	۴۸
خط	۶۳
صرف	۷۵
اسم	۷۷
شمار	۷۷
اضافه	۸۷
حروف تعریف [معرفه-نکره]	۹۲
حرف اضافه پسین را	۹۷
حروف اضافه	۹۸
ادات منادا	۱۰۲
صفت	۱۰۴
درجات مقایسه	۱۰۸
قید	۱۱۳

- ۱۲۰ اسم عدد
- ۱۲۰ اعداد اصلی
- ۱۲۴ اعداد ترتیبی
- ۱۲۶ عبارات عددی گوناگون
- ۱۲۸ ساختار نحوی عبارات کمیّت‌نما
- ۱۳۰ ضمائر
- ۱۳۰ ضمائر شخصی (مفصل)
- ۱۳۳ واژه‌بسته‌های شخصی [ضمائر شخصی متصل]
- ۱۴۱ ضمائر مشترک و تأکیدی
- ۱۴۳ ضمائر متقابل
- ۱۴۴ ضمائر و صفات اشاره
- ۱۴۷ ضمائر و صفات پرسشی (استفهامی)
- ۱۵۰ موصول
- ۱۵۲ مبهمات
- ۱۵۷ فعل
- ۱۵۹ عناصر صرف فعل
- ۱۵۹ یک. ریشه‌های فعل
- ۱۶۴ دو. پیوندهای فاعلی (شناسه‌ها = ضمائر متصل فاعلی)
- ۱۶۶ سه. پیشوندهای صرفی فعل
- ۱۶۷ فعل «بودن»، فعل «داشتن»، افعال معین
- ۱۷۳ زمانها و وجوه فعل
- ۱۷۳ یک. صیغه‌های مشتق از ریشهٔ ۱ فعل
- ۱۷۹ دو. صیغه‌های مشتق از ریشهٔ ۲ فعل
- ۱۸۳ سه. صیغه‌های مرکب از اسم مفعول فعل اصلی و فعل معین
- ۱۸۹ چهار. صیغهٔ مستقبل
- ۱۹۰ پنج. عبارت استمرارنما
- ۱۹۱ صیغهٔ مجهول
- ۱۹۴ نفی و نهی
- ۱۹۶ اسمها و صفات مشتق از فعل
- ۲۰۵ اداتها

۲۰۵	واژه‌های رابطه‌نما
۲۰۵	صوت‌واره‌ها
۲۰۷	نحو
۲۰۹	جمله ساده
۲۰۹	نهاد و گزاره
۲۱۶	مفعول بیواسطه
۲۲۷	متمم‌های دیگر
۲۳۷	ساختهای فاعلی یا مفعولی، ساختهای مطلق
۲۳۸	بدل
۲۳۹	الفاظ همپایه
۲۴۰	آرایش واژه‌ها در جمله
۲۴۴	استفهام و تعجب
۲۴۷	جمله مرکب
۲۴۷	تک‌جمله‌های همپایه
۲۵۱	تک‌جمله‌های وابسته (پیرو)
۲۵۴	تک‌جمله‌هایی که نقش اسم دارند (فاعل، مفعول ...)
۲۶۱	تک‌جمله‌های وصفی (موصولی)
۲۶۸	تک‌جمله‌های زمان‌نما
۲۷۳	تک‌جمله‌های غایبی
۲۷۳	تک‌جمله‌های پیام‌نما
۲۷۴	تک‌جمله‌های علی
۲۷۵	تک‌جمله‌های پذیرش‌نما
۲۷۶	تک‌جمله‌های قیاسی
۲۷۸	تک‌جمله‌های شرطی
۲۸۲	کاربردهای اصطلاحی که
۲۸۵	روند شکل‌گیری واژه‌ها
۲۸۶	کلّیات
۲۸۷	شکل‌گیری اسمها
۲۸۷	انتقال ارزش مقوله‌ها

۲۹۰	اشتقاق پسوندی
۳۰۶	اسمهای بی‌پسوند مشتق از فعل
۳۰۷	پیشوندهای اشتقاقی
۳۰۸	واژه‌های مرکب
۳۱۳	واژه‌های هم‌پیوند
۳۲۱	شکل‌گیری افعال
۳۲۱	افعال مشتق از اسم
۳۲۱	افعال «سببی»
۳۲۳	افعال پیشوندی
۳۲۶	افعال «مرکب»
۳۳۴	عبارات فعلی دیگر

یادداشت مترجم

دربارهٔ زبان فارسی معاصر با همهٔ اهمیتی که دارد، تاکنون در کشور ما دستور زبان جداگانه‌ای نوشته نشده است و با آنکه اغلب دستور زبانهای موجود که به همت ادبا و زبان‌شناسان معاصر تألیف و تدوین گردیده، از ارزش و اعتبار کافی برخوردار است و می‌تواند پاسخگوی بسیاری از ابهامات و مشکلات کاربردی زبان فارسی باشد، جای دستوری ویژهٔ زبان زنده و پویای معاصر همچنان خالی مانده است و متأسفانه بی‌توجهی به فراهم آوردن چنین کتابی نه تنها در تألیف بلکه در ترجمهٔ آثار ارزشمندی نیز که در این زمینه وجود دارد، رخ داده است. از جملهٔ این آثار دستور زبان فارسی معاصر تألیف پروفسور ژیلبر لازار، دانشمند ایرانی‌شناس و زبان‌شناس فرانسوی است که تاکنون کتابهای متعددی دربارهٔ زبان و ادب فارسی به رشتهٔ تحریر درآورده و از آثار کهن و امروزی ایران ترجمه‌های معتبری به فرانسه منتشر کرده است و اهل ادب در ایران نیز با نام و آثار ایشان بخوبی آشنا هستند.^۱

کتاب دستور زبان فارسی معاصر که در سال ۱۹۵۴ تألیف شده و در ۱۹۵۷ در فرانسه به چاپ رسیده، نخستین دستور زبانی است که به زبان زندهٔ نوشتاری و گفتاری امروز پرداخته و در صورت لزوم به کاربردهای عامیانه نیز اشاره کرده است.

این کتاب، گذشته از شمول بر مباحث دستوری، از رویکردی زبان‌شناختی نیز برخوردار است و از این دیدگاه، تفاوتی قابل ملاحظه میان آن و دستور زبانهای جامع موجود احساس می‌شود. مؤلف در این کتاب با نگاهی موشکافانه، نکته‌سنج

۱. نیز نگاه کنید به شمارهٔ ویژهٔ ژیلبر لازار در: کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شمارهٔ ۴۵، تیر ۱۳۸۰.

و بیطرفانه و با پرداختن به مسائلی که کمتر بدانها توجه شده است، خصوصیات آوایی، صرفی و نحوی و نیز چگونگی شکل‌گیری واژه‌ها را در زبان فارسی معاصر تبیین می‌کند و گاه نیز به کشف ویژگی‌هایی در عناصر سازنده زبان و روابط میان آنها دست می‌یابد که طرح آنها در نوشته‌های دستورنویسان فارسی‌زبان پیش از او سابقه نداشته است. نمونه‌هایی که از زبان فارسی معاصر در این دستور زبان ارائه شده، بر اساس آثار نویسندگانی چون صادق هدایت، صادق چوبک، علی دشتی، جمال‌زاده و دیگران و نیز نوشته‌های روزنامه‌ها و مجلات و سرانجام شنیده‌های مؤلف هنگام اقامتش در ایران بوده که در متن اصلی و نیز در برگردان فارسی عیناً با رعایت شیوهٔ املائی هر نوشته‌ای نقل شده است.

ترجمهٔ دستور زبان فارسی معاصر در ۱۹۹۱ به زبان انگلیسی در امریکا انتشار یافته و چنان که در یادداشت مؤلف برای این ترجمه آمده است (که بخشی از آن از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد)، استاد ارجمند هرمز میلانیان، که در آن هنگام در فرانسه اقامت داشته‌اند، در بازنگری و تغییر بعضی از نکات، بویژه در فصل نظام آوایی فارسی، با مؤلف همکاری کرده‌اند (و ما نیز در ترجمهٔ خود از برگردان انگلیسی نیز بهره برده‌ایم). از حسن اتفاق و از «مدد بخت چاره‌ساز» بازگشت آقای میلانیان به ایران با کار ترجمهٔ این کتاب به فارسی همزمان شد و من هم فرصت را مغتنم شمردم و با کسب اجازه از پروفیسور لازار از آقای میلانیان درخواست کردم که با توجه به احاطه‌ای که به مطالب این کتاب دارند، بازنگری برگردان فارسی آن را نیز عهده‌دار شوند. بویژه حاشیه‌های سودمندی که، با موافقت پروفیسور لازار، همگی به قلم ایشان است، پاره‌ای از مشکلات را در جزئیات برطرف می‌کند و در مواردی که ناهمخوانی‌هایی میان کاربردهای امروزی و کاربردهای زمان تألیف دیده می‌شود، با توضیحاتی روشنگرانه به رفع ابهام می‌پردازد. توضیحات کوتاهاتر ایشان در خود متن میان دو قلاب شکسته ارائه شده است.

در اینجا لازم می‌دانم به نکاتی چند در شیوهٔ ترجمهٔ این کتاب اشاره کنم: با توجه به اینکه کتاب در اصل به زبان فرانسه نوشته شده است، در برگردان آن به فارسی، جز در بخش نظام آوایی که همهٔ مثالها به صورت آوانویسی ارائه گردیده

است (و ما معادلهای آنها را به خط فارسی نیز بدان افزوده‌ایم). نیازی به آوانویسی شواهد در فصلهای دیگر کتاب احساس نشد (مگر بندرت در پاره‌ای از موارد که آوانویسی به درک بهتر شاهد ارائه شده، کمک می‌کرد). البته به حکم ضرورت، در این زمینه تغییراتی جزئی اعمال کرده‌ایم. از جمله، همه‌جا میان دو واکه، همخوان میانجی همزه (/ʔ/) و ی (/y/) را افزوده‌ایم مگر هنگامی که واژه‌بستی که با واکه آغاز می‌شود، به واژه پیشین مختوم به واکه بپیوندد (برای مثال: کتابهایی (/ketâbhâ-i/)). در چنین مواردی چون خط کوتاه این دو واکه را از هم جدا می‌کند، دیگر نیازی به آوردن همخوان میانجی همزه دیده نشد. همچنین طولانی شدن واکه را در مواردی که، گاه در زبان گفتار، از حذف همزه یا هـ و ح ناشی می‌شود، با نشانه /:/ که در آوانویسی یکی از علائم بلندی واکه است، نشان داده‌ایم (برای مثال š a:r به جای šahr در آوانویسی واژه شهر در تلفظ سریع).

نکته دیگر آنکه مؤلف در ارائه مثالهایی از صورتهای گفتاری که گاه با صورتهای نوشتاری تاحدی تفاوت دارد، صورتهای نوشتاری یا ادبی آنها را میان دو قلاب آورده است تا برای بیگانگانی که فارسی می‌آموزند، منشأ اصلی صورتهای گفتاری آشکار باشد ولی ما از آوردن صورتهای نوشتاری میان دو قلاب خودداری کرده‌ایم زیرا خوانندگان فارسی‌زبان براحتی می‌توانند این صورتهای نوشتاری را بازسازی کنند. اما هنگامی که برعکس در کنار صورتهای نوشتاری، صورتهای گفتاری معادل آنها میان دو هلال ارائه شده، ما نیز در ترجمه فارسی چنین کرده‌ایم.

یادآور می‌شویم که مؤلف واکه‌هایی را که در متن فرانسه مرکب انگاشته و آنها را به صورت ô و ê آوانویسی کرده بود، در برگردان انگلیسی به واکه + همخوان تجزیه و به ترتیب به صورت ow و ey آوانویسی کرده است.

مثالهای کتاب به آثاری (کتاب، روزنامه، مجله ...) مربوط می‌شود که تا سال ۱۹۵۴ در ایران به چاپ رسیده بود. ناگفته پیداست که از آن تاریخ تاکنون، دگرگونیهایی در زبان فارسی معاصر، چه گفتاری و چه نوشتاری، رخ داده است که خود می‌تواند دستمایه دیگری در این زمینه باشد. اما این امر چیزی از ارزش کتاب

نمی‌کاهد چون تازگی مطالب و نکته‌های سودمندی که در آن هست، هنوز هم می‌تواند برای علاقه‌مندان این گونه مباحث آموزنده باشد.

ما، در این ترجمه، در بیشتر موارد اصطلاحات رایج دستورنویسان و نیز گاه اصطلاحات رایجتر زبانشناسان ایرانی را به کار برده‌ایم. گاه نیز میان اصطلاحات صوری و اصطلاحات معنایی، بویژه در مورد افعال، تفاوت قائل شده‌ایم. توضیح آنکه برخی از اصطلاحات دستوری سنتی مانند «مضارع»، «ماضی»، «مستقبل» را که مشخص‌کننده ساختار صوری صیغه‌های فعل هستند، حفظ کرده‌ایم و «گذشته»، «حال» و «آینده» را که به جنبه معنایی این صیغه‌ها می‌پردازند و نمودار مفهوم و مدلول این صیغه‌ها هستند، به عنوان اصطلاحات معنایی به کار برده‌ایم زیرا برای نمونه، گو اینکه صیغه ماضی در بیشتر موارد مفهوم گذشته را می‌رساند، گاه می‌تواند متضمن مفهوم آینده نیز باشد. مثلاً در جمله «اگر فردا آمدی، به تو خواهم گفت»، صیغه ماضی آمده آینده مشروط را می‌رساند. صیغه مضارع نیز در بیشتر موارد، بویژه در زبان گفتار، در بیان مفهوم آینده به کار می‌رود: «فردا آنجا می‌روم و کتاب را به او می‌دهم».

در دیگر موارد، اصطلاحات رایجتر و شفافتر دستوری را به کار برده‌ایم و سلیقه شخصی خود را چندان دخالتی نداده‌ایم. برای مثال همه‌جا از «ریشه» فعل (در فرانسه: radical) سخن رانده‌ایم و نه از «ماده» یا «بن» فعل. یا اینکه در ترجمه اصطلاحات دستوری فرانسه، ترجیح داده‌ایم که اصطلاحات دستوری رایج سنتی را، تا آنجا که ممکن است، به کار ببریم.

بسیار بجا بود که چنین کتاب ارجمندی مدتها پیش از این، با فاصله زمانی اندکی پس از انتشار آن در فرانسه به فارسی ترجمه شود. اما متأسفانه چنین نشد و اکنون که با دیرکردی نزدیک به نیم قرن، ترجمه کتاب در دسترس فارسی‌زبانان قرار می‌گیرد، امیدواریم که به‌رغم این تأخیر (که به هر حال امکان بهره بردن از تغییرات اعمال‌شده در برگردان انگلیسی را به دست داده)، همچنان با اقبال دانش‌پژوهان روبه‌رو شود و برای همه کسانی که به مباحث مربوط به زبان فارسی علاقه‌مندند، سودمند باشد.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از مساعدتهای آقای لطف‌الله ساغروانی، مدیر